

همه چیز اچی

سال پنجم شماره دهم مدرم ۱۴۳۷

نشریه فرهنگی، مذهبی، راه ناتمک

پاراچنار کجاست؟ (۳)

شایعه بی اساس (۵)

منتظر واقعی (۷)

هیئت ما (۹)

عبدوس به خندوانه می رود! (۲)

شخصیت شناسی کربلا (۴)

حقیقت یک فاجعه (۶)

نقدی بر "محمد" (۸)



راه ناتمک



مؤسسه پژوهش اسلامی
دانشگاه تهران
دوره اول علامه علی ۴ تهران

شادی روح امین سعیدی و امیر امیر آزادی صلوات

الحمد لله
الرحمن الرحيم

دعائے تمام

سلام قولاً مع ربِّ الرِّعیم...
سلام بر شما

تنہا راہر کہ تو را بہ بینہایت میل میدہد
راہیست بینہایت بہ سست بینہایت...

و کج راہ تنہا یک راہ است

راہ ناتمام...

سر دبیر

آقای سید عباس ہدایت

مدیر تحریر

آقای علی رضا شہر آباد

ہیئت تحریر

آقایار: آتش ہوش، ادبائے،
ارسطو، تربت نیا، جلا دتار،
حقار، رحمانی، علیار،
کنگری و میر رحیم

طراح و صفحہ آرا

آقایار: علیار و میر رحیم

همکاران: ایر، شماره

آقایار: محمد رضا خرمائی،
آقای احمد پور محمد

و مر. الله توفیق ...





بسم صِدْق "عَلِیهِ السَّلَام" :
دل به نیت عشق حرام سگسزد

سختی سر دلپیر

بسم نعل

از آن زمان که مولایم ندان و متدار عشق در غیبت عاشق را چوندار
بهم من نام بر من بر داد، مکنون طنین دل انگیز آن در دل نایخ چنان
بجوده است که کوی اسم فریاد جان زمان است که از طول و نیت حسیع
بر خاسته است تا هر زمان در هر مکان باعث هدایت آدمیان
گردد.

حال نیست ماست که به اسم ندایم نیت دریم و دیگر بین از اسم نام غایبان
را منتظر نگذارم، ای زمان باشد که در طلب عده ام در رسیدن مادر بختند
در عین و تر قرار است و هر را انتخاب کنم از دور و غلب باشد و اسم را
بدان اسم که دل سالم می تواند فکر سالم داشته باشد و دل سالم در گدو
عبد بودن و گناه نکردن است.

دوست ایام، علوم غایب با هم با نند نام نشانه لب اسم نزار امرداد
و منتظر ماست، به قدر آب خوردنی چه که شده (در امان کتب و بخراجم؛
او هر روز بر امان طلب عیون کند و بر امان اشک بر بزد به خاطر
گناهان ما.

بسم از اسم دل سر و خون نکتیم در بارش بسم

عاطی مدد الهی کرد

سر مقاله

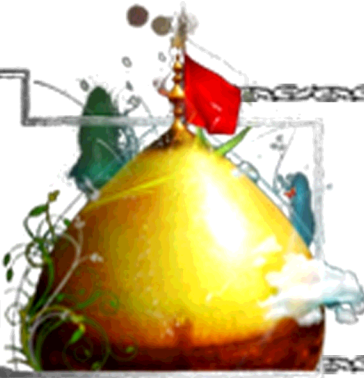
تمام عمر کشاندی مرا به سوی نگاهت
تمام عمر به سوی نشانه ای که ندارم
زمانی که پارسال در روز سالگرد، معراج، این پسر بازیگوش زرنگ سر به هوا، ۱۵ ساله شد. دریافتیم که معراج به سن بلوغ رسیده و الآن زمان آن شده که
به فکر آینده و سال های پیش رو باشد. باید کم کم از دوران کودکی و بازیهای دوران بچگی و قهرها و آشتی ها عبور کند و به دنیای بزرگتر برود.
حال زمان آنست که با تلاش و همدلی، شجاعت انجام کارهای بزرگ را بدست آورد. شجاعت اعتراف به کاستی ها و اشتباهات گذشته و ایجاد انگیزه به
منظور جبران آن ها!

همیشه از مربیان شنیده ایم که دوران بلوغ، حساس ترین دوره زندگی یک پسر نوجوان است و در این دوره باید این پسرک را جدی گرفت و در کار های
مهمی از آن استفاده کرد. نیاز به حمایت بیشتر دارد.

نگردد پخته کس با فکر خامی
نپوید راه هستی را به گامی
در این دوره علاوه بر داشتن تجربه ۱۵ سال زندگی، نیروی جوانی هم به آن اضافه شده. در این دوره غرور نوجوانی، تکبر، پرخاشگری و کنجکاوی هم
اضافه می شود. حال اگر این پسر زرنگ باشد و بتواند از این دوره به سلامت عبور کند، به یک جوان متعهد و متخصص بدل خواهد شد.
باید این نوجوان را آماده حرکت عظیم تر بکنیم و تا بتواند سر باز خوبی بشود. باشد که بشود...
مثل همیشه آخر حرفم و حرف آخرم باشد برای روز مبادا...

هر روز بی تو روز مباداست...

باسم خدا (علیه السلام)
 در سبب، هرگاه فرستاده هر چند در گریه کن
 بر دلاریت چه غریب ما حسین گریه کن



"پاراچنار"، شعبه ی دیگر از جمهوری اسلامی در پاکستان



درگیری ها مذهبی و تفرقه افکنی مورد استفاده دشمنان قرار بگیرد.
 نکته دومی که پس از آشنایی اجمالی با این منطقه باید به آن پردازیم این است که حوادث اخیر این منطقه چه بوده است و کشتارها و درگیری های اخیر چگونه و چرا به وجود آمده است.

نگاهی به گزارش های موجود در مورد حوادث اخیر پاراچنار پاکستان نشان از آن دارد که جنگ و درگیری و آدم کشی هایی که در ماهها و هفته های اخیر در این منطقه در جریان است بیش از آن که یک جنگ و درگیری داخلی میان دو گروه مذهبی افراطی باشد درگیری و خونریزی ای برنامه ریزی شده و با اهداف سیاسی و بین المللی می باشد که متاسفانه قربانیان آن به احتمال قوی شیعیان پاک نیستی هستند که مورد حمله و کشتار وحشیانه دشمن قرار می گیرند. اما مساله اصلی این است که جانیان این جنایت چه کسانی هستند.

نگاهی به گزارشها و اخبار موجود نشان می دهد که جانیان این جنایت گروههایی هستند که به گروههای ناصبی، یزیدی و القاعده نامیده می شوند که توسط طالبان و حتی گاه نیروهای ارتش پاکستان مورد حمایت قرار می گیرند.

نکته قابل توجه این است که دستگاههای خبری غربی در پوشش این جنایتها و درگیری ها تمام تلاش خود را می نمایند که این درگیری ها، را درگیری های مذهبی شیعه و سنی نمایش دهند و اذهان مخاطبان خود را از این واقعیت به دور نگه دارند که توان نظامی و شیوه های تبلیغاتی این درگیری ها حاکی از دخالت خارجی در آن است.

نکته اساسا قابل توجه این است که در این درگیری ها از عناوینی استفاده شده است که بیش از همه بتواند پیروان واقعی مذاهب شیعی و سنی را تحریک کند و تلاش فراوان می شود که این درگیری از منطقه کوچک پاراچنار به یک درگیری بزرگ بین المللی بین شیعه و سنی تبدیل شود.

درگیری ها پاراچنار به هیچ وجه یک درگیری مذهبی یا قومی میان مردم این منطقه نیست، هرچند که در دو سوی این درگیری شیعیان و اهل سنت کشته می شوند. این درگیری های حاصل برنامه ریزی صهیونیستها و استکبار جهانی یعنی آمریکا است که در سالهای اخیر بیش از گذشته در پاکستان قدرت یافته است و به جد تلاش می نماید که با کشتار مسلمانان در این منطقه یک درگیری بزرگ و اختلاف بین المللی میان شیعه و سنی ایجاد نماید. پس راه حل مقابله با این درگیری ها نیز افزودن بر اخلافات شیعه و سنی نیست بلکه رسوا کردن تبلیغات دشمن استکباری و تلاش برای دعوت به وحدت اسلامی است.

پاراچنار یا آنگونه که در منابع عربی آمده است: "باراچنار" این شهر بخشی از ایالت سرحدی شمال غربی پاکستان می باشد که در واقع قسمتی از منطقه پشتونستان این کشور محسوب می شود که مطابق برخی از گزارش های موجود در منابع منتشر شده این منطقه در میان رشته کوه های شمال غربی پاکستان واقع شده است و دارای دره های سرسبز، آبشارها، چشمه ها و جنگلهایی با درختان صنوبر و چنار است. جاده ای که این شهر را به افغانستان مرتبط می سازد، پس از گذر از دره پایه وار، از گردنه کُرم (در شمال غربی شهر) می گذرد. از این راه تجارت پشم، شال، قره گل و مانند آن صورت می گیرد. عشایر فراوانی در این منطقه زندگی می کنند که برخی در مناطق شهری و برخی در اطراف آن سکونت دارند.

پاراچنار از زمان حضور استعمار انگلیس در هندوستان مورد توجه اشغالگران انگلیسی بوده است چرا که در این منطقه محصولات کشاورزی و ... فراوانی وجود داشته است. عمده محصولات کشاورزی پاراچنار را گندم و برنج و ذرت، خشکبار و محصولات باغی مانند زردآلو، شفتالو، گلابی، آلوچه، انگور و شلیل تشکیل می دهند. سیب آن در سراسر پاکستان، مشهور و به لحاظ رنگ طلایی اش از زمان انگلیسیها به گلدن دیشز معروف است. اراضی آن برای کشت زعفران مناسب است و چوبش از قدیم برای ابنیه و عمارات به کار می رفته و امروزه مقدار زیادی از آن به دیگر نواحی صادر می شود. پرورش کرم ابریشم نیز در آن رواج دارد.

به لحاظ فرهنگی نیز منطقه پاراچنار منطقه ای قابل توجه است چرا که مطابق برخی از گزارش ها نزدیک به نیمی از جمعیت این منطقه شیعه اثناعشری و بقیه سنی اند.

شیعیان این منطقه به انجام فرایض و آداب و رسوم مذهبی خود توجه بسیار دارند به طوری که در مرکز شهر، حسینیه بسیار مجللی قرار دارد.

علمای بسیاری به این شهر منسوب اند از جمله: مولانا سیدپادشاه حسین، مولانا علی سرور سرحدی (قرن چهاردهم)، مولانا غلام قاسم خان کورایی (قرن چهاردهم)، مولانا عبدالحسین (متوفی ۱۳۶۵) و مولانا محمد عباس (متوفی ۱۳۶۴) که برای تکمیل تحصیلات دینی به ایران و عراق نیز سفر کرده بوده اند. بنابراین منطقه پاراچنار دارای چندین خصوصیت است که باعث می شود که استعمارگران به آن توجه جدی بکنند، یکی منطقه نظامی و مرزی بودن آن. دوم منطقه پربرکت و پر محصول بودن آن و سوم و از

همه مهمتر منطقه ای چند فرهنگی و چند مذهبی بودن که می تواند برای ایجاد



اسلام حسین
 هرگز از دست ندهید و هرگز از دست ندهید و هرگز از دست ندهید
 در اینجاست که هرگز از دست ندهید و هرگز از دست ندهید



شخصیات

شناختن

کرپلا

مختار ثقفی - پیروزی طلب، نه شهادت طلب:

مختار از جمله کسانی بود که به کمک مسلم بن عقیل شتافت، دارای شخصیتی حسابگر، خردمند زیرک، باهوش و زمان سنج است، دارای جاذبه شخصیتی والایی است و می تواند افراد را دور خود جمع کند. شخصیتی هیجانی دارد و نسبت به حوادث پیرامون خود حساس است و خیلی زود نسبت به آن ها واکنش نشان می دهد، فرمانده لایق و دارای شخصیتی ماجراجو و فرصت طلب است و در کنار همه این ها جاه طلب است. مختار شخصیتی پیروزی طلب داشت و به همین دلیل به صلح امام حسن هم تمایلی نداشت. وی در قیام توابین شرکت نکرد چون قیام را بی فایده می دانست و سلیمان بن صرد خزاعی را نا آشنا با فنون و تاکتیک های رزمی می دانست.

شریح قاضی - شاهد دروغگو:

از بزرگان و خواص سرشناس کوفه قاضی شهر کوفه در دوران عمر قاضی شهر کوفه در دوران امیر المومنین (ع) با شرط این که احکام را بدون هماهنگی با ایشان اجرا نکنند شهادت خائنانه به سود ابن زیاد مبنی بر زنده بودن هانی بن عروه در زندان و در نتیجه پراکنده شدن یاران مسلم بن عقیل شرح قاضی کسی بود که می فهمید حق با کیست و از خواص کوفه به شمار می رفت می فهمید که اوضاع از چه قرار است اما در نهایت بدی عمل کرد عیب و نقص خواص ترجیح دهنده ی دنیا بر دین، همین است.

سلیمان ابن صرد خزاعی - نوشدارو پس از مرگ سهراب:

سلیمان ابن صرد پیر مردی نیک، عابد، فاضل و دارای مکات و مقام ویژه در بین قبیله خود داشته است. از اصحاب و کار گزاران امام علی (ع) از جمله کسانی که امام علی (ع) را در جنگ جمل یاری نکرد ولی در جنگ صفین از مجاهدان و فرماندهان سپاه امام بوده جز افرادی بوده که اولین نفر به امام حسین (ع) نامه نوشت و یاری نکردن مسلم در کوفه و امام حسین (ع) در کرپلا و رهبری گروه توابین به خون خواهی از امام حسین (ع) همه افراد گروه توابین در یک روز کشته شده اند. در تاریخ عده توابین چند برابر عده شهیدای کرپلاست. اما اثری که توابین گذاشته اند یک هزارم اثری که شهیدای کرپلا گذاشته اند نیست. این به خاطر این است که در وقت خود نیامدند و کار را در لحظه خود انجام ندادند.

شیت بن ربیع - از خدا بترس:

از معترضین و مخالفان با خلیفه سوم (عثمان) از خونخواهان و معترضین به قتل عثمان علیه امیر المومنین (ع) از یاران امیر المومنین (ع) در جنگ صفین نماینده امیر المومنین (ع) در نهر و خودداری کرد و به خارج پیوست از اولین نویسندگان نامه به امام حسین (ع) یکی از فرمانده های سپاه عمر بن سعد در مقابل امام حسین (ع) وقتی که عبید الله به رؤسای قبایل گفت بروید و مردم را از دور مسلم پراکنده کنید و گرنه پدرتان را در می آورم چرا امر او را اطاعت نکردند شیت قدم پیش گذاشت و به تهدید و تطمیع اهالی کوفه پرداخت چرا چنین کاری کرد؟! اگر امثال شیت بن ربیع در یک لحظه حساس به جای اینکه از ابن زیاد بترسند باز خدا میترسیدند، تاریخ عوض میشد.

عمر ابن سعد ابی وقاص - "ذل سعیهم":

فرزند سعد ابن ابی وقاص صاحب بزرگ پیامبر (ص) از بزرگان و افراد سرشناس کوفه فرمانده سپاه کوفه و قاتلین امام حسین (ع) عمر فرد قدرت دوست، جاه طلب و خود بینی بوده است. عمر سعد آخرت خود را به ری فروخت اما همانطور که امام فرمود از رسیدن به گندم ری هم بی نصیب ماند.

طوعه - زینب ثانی:

طوعه از کنیزان اشعث بن قیس بوده او یکی از زنان عاشورایی است که یک تنه جور مردان کوفه را بر دوش کشید درست وقتی که تنهایی و سکوت و خفقان شب بارقه های امید را از دل خسته اش بروده بود و غم بی وفایی کوفیان و مظلومیت حسین (ع) گلپوش را می فشرد به دیواری تکیه کرد تا اندکی استراحت کند آن دیوار، خانه زنی بود به نام طوعه طوعه خوب می دانست این میهمانی و پناه دادن قیمت سنگینی برای او خواهد داشت، اما به خاطر خدا و اسلام این خطر را به جان خرید. خانه را برای او آماده کرد و به وی غذا داد

کتاب تفسیر و تفسیر کتب معنی کتاب تفسیر اینست که در فقه و فقه

شایعه بی اساسی

در بسیاری از کتب معروف اسلام راجع به ترک سپاه کردن کسی در شب عاشورا سخنی ذکر نشده بلکه در بسیاری از منابع به این اشاره کرده اند که کسی در شب عاشورا از سپاه امام حسین (ع) جدا نشده است. البته در کتاب تفسیر منسوب به امام حسن عسکری (ع) عبارتی مبهم وجود دارد که قابل بحث است.

در صفحه ۸۷ آن، برای تفسیر آیه ۳۴ بقره چنین آمده است که:

آنگاه که حسین و همراهانش بسبب لشکری که او را کشتند و سرش را بریدند امتحان شد. حسین (ع) به لشکر خویش گفت: شما از بیعت من آزادید پس به قبیله ها و دوستان خود ملحق شوید و به اهل بیت خود فرمود: به شما اجازه میدهم که از من جدا شوید زیرا شما از نظر عده و نیرو نمیتوانید با آنان مقاومت کنید و مقصود آنان جز من کسی نیست پس مرا با این مردم واگذارید. خداوند به من کمک میکند و از نظر لطف خود محروم نمیسازد چنانکه نسبت به گذشتگان ما نظر لطف داشته است، پس لشکرش از وی جدا شدند ولی خانواده و خویشتنان نزدیک او از رفتن خودداری کردند و گفتند ما از تو جدا نمیشویم.

آنچه مسلم است پس از رسیدن خبر قتل مسلم بن عقیل امام حسین (ع) در منزل "رباله" به همراهانش گفت: هر کس میخواهد برگردد پس بعضی از اعراب که از مکه و در راه کوفه، به حضرت ملحق شده بودند برگشتند. اما آنچه در تفسیر منسوب به امام حسن عسکری آمده است، اگر میخواهد همین برگشتن بعضی از همراهان امام را در منزل "رباله" بگوید، مطلب صحیحی است ولی عبارت استفاده شده در این کتاب نقض دارد چون این کتاب میگوید که همه اصحاب امام رفتند و فقط اهل بیت امام ماندند در حالیکه بیش از شصت درصد شهدای کربلا جزو اهل بیت امام نبودند مثل افرادی چون حبیب بن مظاهر و زهیر بن قین. البته اگر منظور کتاب شب عاشورا هست، که با دلیل بالا نیز میتوان آن را نقض کرد و در هیچ یک از کتاب های معتبر ذکر نشده است که شب عاشورا حتی یک نفر از اصحاب امام از وی جدا شدند.

البته کتاب ناسخ التواریخ عینا همین عبارت را از کتاب تفسیر منسوب به امام حسن عسکری ذکر کرده است ولی به این دقت نکرده است که اگر اینچنین باشد پس شهدای کربلا باید منحصر به اهل بیت امام باشد. البته میدانیم که این مطلب بعد از تالیف کتاب ناسخ التواریخ شایع شده است، چون کتاب ناسخ التواریخ یکی از کتب هست که بین ایرانیان بسیار رواج داشته است و علمای شیعه راجع به این مطلب احتیاط کردند و حتی شیخ محمد اصفهانی درباره تفسیر امام حسن عسکری میفرماید: که این کتاب را یک فرد افسانه ساز کج سلیقه جعل کرده است.

تاریخ نویسان طائفر

شماری از افراد که در رویداد کربلا حضور داشته و از نزدیک حادثه را دیده بودند به گزارش آن پرداخته اند. افزون بر امام سجاد (ع) و اهل بیت امام حسین (ع) و امامان معصوم دو گروه دیگر به نقل وقایع کربلا پرداختند.

گروه اول: کسانی از لشکر عمر سعد بودند که خود در حادثه نقش داشتند، قاتل یا جانی بودند و عملکرد خود را نقل و یا از آن دفاع کردند. مانند حانی بن ثبیت حضرمی. افرادی نیز بودند که فقط به گزارش این حادثه پرداخته و از درگیری و جنگ خودداری نمودند مانند حمید بن مسلم که از وقایع نگاران واقعه کربلا بوده و در سپاه عمر سعد حضور داشت.

گروه دوم: کسانی که از همراهان امام حسین (ع) بودند و به گونه ای از کشته شدن در امان ماندند با این که در حساس ترین لحظات واقعه عاشورا در کربلا، همراه امام حسین (ع) حاضر بودند و شاهد وقایع تلخ آن روز بودند:

حسن بن حسن بن علی بن ابی طالب:

حسن مثنی همراه عمویش جنگید و مجروح شد و از اسب بر زمین افتاد. وقتی که کوفیان سرهای شهدا قطع می کردند، وی هنوز زنده بود. اسماء بن خارجة فرزانی که از دایه های وی بود از او شفاعت کرد و بخشیده شد و وی را به کوفه برد.

ضحاک بن عبدالله مشرقی:

وی از کسانی بود که مشروط بود که سپاه امام پیوست و در آخرین لحظات برابر شری که با حضرت داشت از معرکه فرار کرد.

عقبه بن سیمان، مسلم بن رباح، مرقع بن سماعة اسدی هم از بازماندگان حادثه کربلا بودند که شاهد وقایع کربلا بودند.

منبع: شهید جاوید

استراتژی نظامی امام در روز عاشورا

تاکتیک قبل از جنگ:

انتخاب زمین کربلا: کربلا منطقه ای در شمال غرب کوفه بود. از یک طرف به فرات نزدیک بود و از طرف دیگر به روستای غاصریه که از دوستان اهل بیت بودند. وقتی در دوم محرم امام وارد این منطقه شدند آن را انتخاب کرد و مسلط ترین منطقه را برای خیمه زدن برگزید. زمین کربلا خاک خوبی داشت نه آنقدر نرم که اسب در آن فرو رود و نه آنقدر سفت که سم اسب ها و راه رفتن را مختل کند.

تاکتیک های شب جنگ:

حفر خندق: این تاکتیک ایرانی را سلمان فارسی در جنگ خندق در مدینه به مسلمانان یاد داد. خندق کربلا البته چندان عمیق نبود اما در آن خار و خاشاک ریختند تا کسی نتواند از پشت دور بزند. این خندق نعلی شکل و به قطر ۱۸۰ متر بود.

تاکتیک روز جنگ:

یاران قدیمی در برابر هم با اینکه کل یاران امام به ۱۳۰ نفر هم نمیرسید ولی باز به آنها آرایش کلاسیک داد. چپ و راست سپاهش را بر اساس ترکیب سپاه رو به رو چید. وقتی دید فرمانده جناح چپ کوفیان شمر است فرمانده جناح راست خود را زهیر بن قین قرار داد. زیرا آنها با هم دوست بودند و از طرفداران عثمان و خوارج. سمت راست کوفیان عمر بن حجاج بود. امام رو به روی او حبیب بن مظاهر را گذاشت. عمر از قبیله مذحج بود و حبیب از قبیله بنی اسد که هر دو قبیله در کوفه همسایه بودند. با این روش امام می خواست دشمنان و اهالی کوفه را به یاد همسایگی و حق نان و نمک بیاندازد.

وقت کشی: دو حمله عمومی در روز عاشورا ثبت شده، یکی حمله تیراندازان کوفه در اول صبح و دیگری حمله جناح چپ کوفه به جناح راست امام که دفع شد. بقیه طول روز جنگ تن به تن بود. سپاه کوفه جنگاور قابلی نداشت و همه برای غنایم آمده بودند و از طرفی در سپاه امام این نبرد تن به تن فرصتی برای حرف زدن و قدرت نمایی و رشادت انفرادی میداد.

دفاع متحرک:

با فرض درست بودن حمله همزمان

حضرت عباس (ع) و امام حسین

(که در روایات دست اول این ماجرا

درست است و نه ماجرای آب آوردن

حضرت سقا^(ع) به تنهایی) این دونفر

تقریباً پشت به پشت هم در مسیری

دوار جنگ کرده اند و در نهایت سپاه

بینشان فاصله انداخت و عباس را

شهید کرد.





بیت الله خسته از
تعبیت فراتر نرفته و در صحت
به طور جدی رخ را دنبال نکرده

حقیقتی یک فاجعه

مسئولان سازمان حج و نیروهای امدادی ایرانی میگویند مأموران عربستانی اجازه حضور آن ها در محل حادثه و پیگیری حال مجروحان را نمی دهند و همین امر باعث شده تا میزان تلفات بالاتر برود.

مرگ بر آل سعود

یکی از شگفت انگیز ترین واکنش ها به مسئله کشته شدن هزاران مسلمان در منا، جک هایی بود که در فضای مجازی و به خصوص توئیتر منتشر شد. پیام های طنز آمیزی که واکنش فرزند یکی از قربانیان را نیز به همراه داشت؛ گله ای دارم به آن کس که میگوید خدا را در اشک یتیمی جست و جو کن و اکنون که کودکی یتیم شده است، مرگ پدرش را مایه خنده خود کرده است! از شما میپرسم، با کدام دین و آیین، یتیم شدن کودکی، مرگ فرزندی یا همسری را دستمایه جوک و خنده میدانید؟! اگر خدا را در اشک یتیمی می بینید، از شما همدردی نمیخواهیم، فقط لطف کنید و نمک به زخم مان نپاشید.)

کمبود و عدم آموزش نیروهای امنیتی و امداد رسانی هم از دیگر مواردی است که گفته میشود در افزایش شمار قربانیان تاثیر داشته است. آنطور که آمار نشان میدهد، در سال های گذشته حدود شصت هزار مأمور سعودی وظیفه حراست از مراسم را بر عهده داشته اند و این تعداد امسال به بیست هزار نفر کاهش پیدا کرده است ظاهراً بسیاری از افراد امسال را در بحرین و یمن درگیر کشتن مسلمانان بی گناه بوده اند آنهایی هم که حضور داشته اند تجربه کافی ساماندهی چنین جمعیت و مراسمی را نداشته اند و وقتی بحران در حال شکل گیری بوده هیچ کاری انجام نداده اند.

برخی از رسانه های سعودی، سردرگمی و بی تجربگی زائران را هم گذاشته اند کنار عوامل این ماجرا. آنها گفته اند، چون بسیاری از زائران برای بار اول به این مکان می آمده اند، هیچ آشنایی ای با علائم و راه ها نداشته اند و هر چرخش یا تغییر مسیر ناگهانی می توانسته باعث ایجاد ازدحام شود. هرچند اینجا هم نقش مأموران و راهنمایی مسئولان عربستانی به چشم میخورد که نتوانسته اند زائران را به طور صحیح راهنمایی کنند.

حاج علی ضیا:

که امسال به حج رفته، از نبود آب و تشنگی مردم حرف زد، از اینکه انسان ها مانند بطری های آب معدنی روی زمین افتاده اند.

دمای هوا در زمان حادثه نزدیک به ۴۳ درجه سانتی گراد بوده که نزدیک ظهر، این دما به ۵۰ درجه میل پیدا کرده است. این را بگذارید کنار سن بالای بیشتر زائران و خستگی ناشی از چند روز رفت و آمد و حضور در جمعیت. همین عوامل میتواندست برای زمین خوردن یا متوقف شدن در مسیر و ایجاد ازدحام بیشتر کافی باشد.

ما نباید عزت و شرف ملتمان را فدای هیچ چیز بکنیم، حتی زیارت خانه خدا، مگر نشنیده ایم که کرامت و حرمت مومن از کرامت و حرمت خانه خدا بالاتر است

در تمام احتمالاتی که برای وقوع این حادثه رخ داده، یک نکته جالب وجود دارد. از سال ۲۰۰۶ که ۳۴۶ زائر در منا کشته شده اند، یک شرکت انگلیسی به نام crowed vision سیستمی را راه اندازی کرده بود که توسط آن میتوانست ازدحام جمعیت در نقطه ای خاص و احتمال شکلگیری بحران را تشخیص بدهد. با استفاده از همین سیستم از سال ۲۰۰۶ تا حالا حوادث بسیار کمتری پیش آمده بود اما ظاهراً امسال این سیستم هیچ آلارمی نداده یا اصلاً کار نکرده است و معلوم نیست چرا هنوز مسئولان این شرکت و کار فرمای سعودی در این باره اظهار نظری نکرده اند. هرچند یکی از مقامات شرکت انگلیسی گفته: این سیستم همه نقاط را پوشش نمیداده و در برخی نقاط کور وجود داشته است.

خبر هست:
 در طرف منبر به جویان بگریه
 و تپان زلفتش به فدا رفته است
 چشم خسته و دلبسته را
 به پیغمبر و اسلام خود طریقه



منتظر واقعی :

مردی از دانشمندان آرزوی زیارت حضرت حجت (عج) را داشت و از عدم توفیق رنج میبرد. مدت ها به ریاضت پرداخت و پیوسته در سعی و کوشش بود. او در این مورد کوشش بسیار کرد ولی نتیجه نگرفت، سپس به علوم غریبه و اسرار و حروف و چله نشینی روی آورد ولی باز هم اثری ندید، اما چون شب ها بیدار مانده و تا سحر ناله میکرد، صفای دل و نورانیته پیدا کرده بود و گاهی اوقات عنایاتی به او میشد و حالات خوبی پیدا میکرد. در یکی از این حالات به او گفتند شرفیابی تو خدمت امام زمان (عج) میسر نخواهد شد مگر آنکه به فلان شهر سفر کنی.

با تمام سختی ها حرکت کرد و به آن شهر رسید و در آنجا نیز مشغول ریاضت و عبادت و چله نشینی شد. روز سی و هفتم یاسی و هشتم بود که به او گفتند الآن حضرت مهدی (عج) در دکان پیر مردی قفل ساز نشسته اند. خود را سریع به آنجا رساند. چون سلام کرد حضرت جواب فرمود و به او اشاره کرد باید مطلبی را ببینی. در این حال پیر زنی وارد دکان شد و به قفل ساز گفت: ممکن است این قفل را سه شاهی از من بخری؟ پیر مرد قفل ساز نگاهی به قفل انداخت. گفت: مادر، این قفل ده شاهی ارزش دارد. پیرزن گفت من این قفل را به هر کس نشان دادم حاضر نشد حتی سه شاهی از من بخرد! پیر مرد جواب داد: (دو مسلمان نباید سر هم کلاه بگذارند، من قفل تو را هفت شاهی میخرم و ده شاهی میفروشم تا هر دو سود کرده باشیم). پیر مرد پول پیرزن را داد. چون پیرزن از دکان بیرون رفت امام به من نگاهی کرد و فرمود: آقای عزیز دیدی؟

اینطور باشید عمل خوب نشان بدهید تا ما به سراغ شما بیاییم! به چله نشینی و ریاضت بیش از حد کشیدن احتیاج نیست از همه این شهر، من این پیر مرد را انتخاب کردم زیرا این مرد دین دارد و خدا را میشناسد. من هفته ای نمیگذرد که به او سر میزنم و حال او را میپرسم.

خاطراتی از شهدا

مداح بی سر:
 هم مداح بود هم شاعر اهل بیت. او میگفت: «شرمندم ام که با سر وارد محشر شوم و بعد از شهادتش وصیت نامه اش رو آوردن، نوشته بود قبرم را در کتاب خانه مسجد سراغ قبرش، دیدن برای کوچیکه! وقتی جنازه رو آوردن بود!!! اندازه تن بی سرش!!! (شهید حاج شیر علی سلطانی) شهبای جمعه خدمت آقا شش سال از جنگ گذشته بود که شهید شد.

خوابش را دیدم. بغلش کردم و گفتم: «تا نگی اون دنیا چه خبره رهاش نمیکنم» گفت: فقط اینو میتونم بهت بگم که (ما شهدا شهبایم میریم خدمت آقا ابا عبدالله)

هویت حسینی، هویت شهید گمنام

داشتیم پیکر شهدا مون رو با کشته های بعضی تبادل میکردیم که ژنرال حسن الدوری رئیس کمیته ارتش عراق گفت: «چند تا شهید پیدا کردیم که تحویلتون میدیم که به فهرستتون اضافه کنین»

یکی از شهدایی که عراقی ها پیدا کرده بودند پلاک نداشت. سردار باقرزاده گفت: از کجا میگوید این شهید ایرانیه؟ این که هیچ مشخصاتی نداره؟! ژنرال بعضی گفت: با این شهید یک پارچه فرمز رنگ پیدا کردیم که روش نوشته شده بود (یا حسین شهید) فهمیدیم ایرانیه...

وصیت نامه های زیبا :

شهید علی جیت سازان

کسی میتواند شب عملیات از سیم خاردار ها عبور کند که از «سیم خاردار نفس» عبور کرده باشد.

شهید عباس جلیلی

از شما امت حزب الله می خواهم که همیشه پیرو خط امام باشید و از خط ولایت فقیه خارج نشوید. نه یک قدم از امام جلوتر و نه یک قدم عقب تر که مساوی با نابودی شما میشود.

سردار شهید غلامحسین (حمید) عارف

خدایا من روز قیامت خجالت میکشم که سرور شهیدان بدنش باره باره باشند و من سالم باشم. بار پروردگار!! تو میخواهم هر زمان که صلاح دانستی شهید شوم ضمن این که به تمام مقریانت قسمت میدهم که مرگ در رخت خواب نصیبم نکنی و اگر شهادت را نصیبم گرداندی بدمن تکه تکه شود که در صحرای محشر شرمندم نباشم.

تمام راه ظهور تو را با گنه بستم
 دروغ گفته ام که آقا منتظر هستم
 کسی به فکر شما نیست، راست میگویم
 دعا برای تو باز نیست، راست میگویم
 من از سرودن شعر ظهور میترسم
 دوباره بیعت و بعدش عبور میترسم
 من از سیاهی شب های تار میگویم
 من از فزان شدن این بهار میگویم
 درون سینه ما عشق یخ زده آقا
 تمام مرغ هامان ملخ زده آقا
 کسی که با تو بماند، به جانت آقا نیست
 برای آمدن، این جمعه هم مهیا نیست

سید امیر حسین میر حسینی



حسین مجیدی
 رشتاف مار در بهان فخر به
 یک اثر هنر زینت چشمه کدبان و پیشتر
 و چند است.

نقدی بر "محمد (ص)"

درباره فیلم:

کارگردان: مجید مجیدی / نویسنده مجید مجیدی ، کامبوزیا پرتوی
 / بازنویسی فیلم نامه: مجید مجیدی ، بیژن میرباقری / مشاور کارگردان : رضا میرکریمی
 هزینه ساخت این فیلم نزدیک به ۸۱۷,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال شده است .

نقد فیلم:

تم شاعرانه فیلم در روایتگری دوران طفولیت حضرت محمد (ص)، از جمله نقاط قوت فیلم است. پرهیز از شخصیت
 محوری انحرافی، از عواملی است که سبب میشود مخاطب به مدت ۱۸۰ دقیقه بی وقفه مشغول به تماشای فیلم باشد .

تصویر اولترا نورانی از پیامبر فیلم مجیدی که هیچ "آن" انسانی ندارد، درک انحرافی یهودی-مسیحی از تاریخ ادیان است
 که باب طبع هالیوود دیروز در فیلم های به اصطلاح دینی شان است .

در شرایط امروز تحریم های غرب علیه ما ، واقعا به فیلمی نیاز داشتیم که چهره ای رحمانی و از سوی دیگر چهره ای
 محکم که روی اصول ، سازش نمی کند نشان دهد نه چهره ای خنثی!

اما فیلم مجیدی فیلمی خنثی است. فیلم چیزی جدی از تحریم سنگین چندین ساله علیه مسلمین زمان حضرت محمد
 (ص) نشان نمی دهد.

کارگردانی مجیدی در این فیلم بیشتر تحت تاثیر رضا میر کریمی، مشاور کارگردان قرار گرفته و در
 بازنویسی فیلم نامه هم نتوانسته از بیژن میرباقری استفاده لازم را ببرد. او در فیلم جدیدش نه
 تنها نتوانسته استانداردهای فیلم های قبلی
 خود را حفظ کند، بلکه از آنها ضعیف تر هم کار کرده است.
 (خدا در فیلم کجاست ؟ در بچه های آسمان و حتی رنگ خدا بود.)
 امید وارم قسمت های دوم و سوم فیلم، به همین سیاق ، این همه گران و ابتر نباشد.

بازدیدمقام معظم

رهبری

حضرت آیت الله خامنه ای روز
 ۱۷ آبان ۱۳۹۱ برای بازدید از
 لوکیشن فیلم محمد رسول
 الله به محل فیلم برداری
 رفتند.

این بازدید ۶ ساعت به طول
 انجامید و صحبت های
 بسیاری را هم درباره
 شخصیت پیامبر ارائه کردند.



معرفی کتاب:

نویسنده : سید مهدی شجاعی

"سقای آب و ادب"

گزیده کتاب:

اکنون شیر بر زمین افتاده است که هیبت زنده بودنش ، زندگی را در مذاق روباهان تلخ میکرده است .
 او اکنون فقط به حسین فکر میکند که تمامی آسمان اوست در زمین . عشق حسین، آنچنان در تار و پود او
 تنیده شده که جز حسین ، هیچکس را نمی بیند و جز صدای او هیچ صدایی را نمی شنود و جز رایحه او
 هیچ بویی به مشام، راه نمی دهد. نبض حسین نیز از آن سو با قلب عباس می تپد .

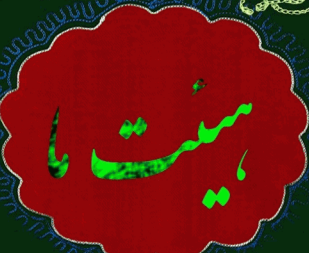
ارتباط با نشریه :

هر گونه انتقادات و

پیشنهادهای خود را با ما در

میان بگذارید.

۰۹۳۶۶۶۹۱۲۲



بسم رب العشق

از جلوی درب هیئت که انتظامات ماهستن تا پایان هیئت که بازم انتظامات هستند شروع میکنم...

انتظامات ما: محمد (بخشید) حاج محمد صفا

اهل دیار ریس جمهورستان که اتفاقاً با مدیریت خود از چند مدرسه دیگر و حتی ادارات و کارخانه جات دولتی و خصوصی و حتی بین المللی پیشنهاد سمت مدیریت را دارند.

الهی "خالصانه" جوجه هاش رشد کن...
حمل و نقل و مسئول اجرایی ما: مراجعه شود به صفحه خندوانه...

آشپز خانه ما: ایشون یکی از گمنامان معراج نور هستند که خالصانه (واقعاً خالصانه) در حال نوکری ارباب هستند. نوکر خونه با وجود ایشون (جناب آقای حاجبیکگی عزیز) ادامه دار است. البته در کنار ایشون کادر زحمت کشی هستند که هر کدام فضایی دارند بسی پر صدا! از بزرگ نجرانیان گرفته تا فندق شکن... یکی از عزیزان هم که به اجابت دعای بچه های آشپزخانه در محرم سال گذشته، امسال صاحب فرزند شدند. "پسر بشه ایشالله (به قول آقا افشاری)" البته زحمات جاب آقای رحمانی را هرگز فراموش نمیکنیم

الهی حاجت رواشن...
و هم اکنون وارد سالن می شویم...

پذیرایی ما: دو مرد همه جا با هم، برای هم، نمونه ی یک ادغام زیبا و به جا، هشدار برای معراج ۸۹. این عزیزان کسانی نیستند جز آقایان: ذوالعین و حسامی. البته تلاش های بی وقفه آقای عسگری نیز فراموش نمی شود.

الهی دوماذ شن...
پذیرایی ما (تکراری نیست): آقای کاظمی (حبیب کاظمی) زحمت پذیرایی پایان هیئت رو به عهده دارد ایشان خوش بر خورد و منظم هستند.

الهی مدیر شن...
کفشدار ما: "ای حرمت ملجاء درماتدگان..."
به یاد حرم امام رئوف...

بعد از دریافت کفش ها، دیگر کسی جرئت ندارد بیرون برود، چه شاگرد، چه قرآن آموز، حتی مربی و حتی شما دوست عزیز... جناب آقای رضایی عزیز که...

تزئینات ما:... که در تزئینات هم خادم هستند. ایشون با تالاشی شبانه روزی در حال انجام امور تزئینات هیئت هستند. کادر تزئینات ایشون هم مثل کادر آشپزخانه گمنام بماند، شاید خود بچه ها به دنبال تشخیص هویت این بزرگان برونند و یا شاید به زودی جایشان را بگیرند

الهی شهیدشن...

شاعر ما: فرزند طمار... ایشون از بدو ورود به دنیا حاجی بودند.

مهارت ایشون در عرصه شاعری را در هیئت که سهل است، در مشهد هم دیدیم... جناب آقای حاج علی...
الهی همیشه بهت خوش بگذره...

امور مالی ما:

گر گل است اندیشه تو گلشنی...
ایشان سرباز وظیفه در خاک و ... هستند که اعراب میگویند برای ماست. بسیار دقیق بوده و عاشق سینما...
جناب آقای گلشنی، البته ایشون...

فرهنگی ما شامل:

سایبری ما: ... ایشون مسئول سایبری قسمت فرهنگی هیئت هستند. تمامی قسمت های تار نما، پیامک، تلگرام و اینستاگرام و همچنین رسانه، زیر نظر ایشون (جناب آقای گلشنی) هست.

الهی کریم شن...
پیامک ما: مراجعه شود به سخنرانان (تایپ شده یا فونت Italic و Bold)

تلگرام ما: ایشون هم شاعرند، شاعری تازه کار و همچنین معاون خادم فرهنگی هیئت، امیدواریم در کار موفق باشند؛ جناب آقای محمد حسین رنجبر.

الهی شاعر شن...

اینستاگرام ما: سید قوی پنجه، به ایشون لقب جاینت معراج دادند. ایشون بسیار خوش قلب، درشت استخوان و شومَن. جناب آقای عسگری.

الهی مثل باباشن...

تحریریه ما: آلب... عاشق بیتزا شَف. دارای پیکان دهه ۷۰ مردی از شهری که در نقشه زیر پونز است؛ شهرابی بی ریا، سخت کوش، وقتی با ایشون صحبت می کنی، اصلاً حاشو نپرسین چرا که خودشون جواب می دهند.

- سلام آقای شهرابی.

- سلام خوبم، خوبی؟ چطوری؟

الآن ی سوال: "خوبی؟ یا چطوری؟" فرقی داره عایا؟

الهی عزیز شن...

صوت ما:

دل طلا، سیرت طلا، یا تماز طلا این پرچی (آذری)
جناب آقای افسر طلا ملقب به بابا برقی، استاد بزرگ وصل سیم Earth به مداحان...

الهی زن بستون...

اتاق بازی ما: پروفیسور Alone، کانتینر، تانکرو

منبع ایده، جناب آقای تنها.

الهی رزومه شون پر تر بشه...
و در آخر تشکر می کنم از همه عزیزان مسئول در هیئت که البته بنده قبلاً عمداً هر دم در دم تشکر کردم؛
دیگه خستم، رفتم.

به امید توفیقات روز افزون
احمد پور محمد

دارالقرآن ما: استاد فیض آبادی (ج.ف.ب.م.ع) این کار رو تولیت می کنند. صاحب سهام قسمتی از پاساژ مهستان (بخاطر خریدهای مکرر یادبودهای دارالقرآن) کمی بزرگ (منظور دل ایشون) و مسلط به ... (آقا جان! دریا دل بودن ایشون مورد نظر ماست!) بله ادامه میدیم... مسلط به قرآن تجوید قرآن کریم.

ایشان همیشه می گویند: به چیزی هست که فعلاً بهتون نمی گم. امیدوارم بزودی ما را از حُما...! ببخشید ما را از این سر در گمی نجات دهند.

الهی روانشناس شن...
زیارت عاشورای ما: سیدی که پنجه هایش شاخ گاو رامیشکند. این تو که میگفت ما جذبی میشدیم؛
بچه بودیم دیگه باورمون نمیشد الآن می فهمیم واقعیت داره!!!

صدای سوزناک ایشون همه را به اشک در میآورد.
البته ایشون **مسئول هیئت** نیز هستند.

الهی مثل همت شن...
سخنرانان ما: آئی دُهر...

(فارسی را پاس بداریم ترکی را زاپاس) جناب آقای دکتر رنجبر، فوق تخصص پیاده روی در کوچه پس کوچه های ذهن دارند. دغدغه مند واقعی، همچو بادامی که نمی دانی چه وقت شیرین است یا...!

اگه به شب دیگه سخنرانی میکرد به اهل کتاب بودن خودم شک میکردم چه برسه به مسلمانیم...!

استاد ایشون جناب آقای هدایتی (دامت مدیر یته) دیگر سخنران ما و همچنین **مسئول مجموعه جلسات معراج نور** هستند (همگی مدیران لطف ایشون هستیم).
من دیگه حرفی ندارم چون شغلم رو دوست دارم...!

جناب آقای بیتانه که شاگرد حاجی ما هستند، سخنران دیگر هیئت بوده که...

میاندار ما:... که میاندار هیئت ما هستند. پس از سال ها تفکر بالاخره به یک استراتژی میانداری رسیدن و خیال کلیه، کبد و اثنی عشر مسئولین هیئت را راحت کردند.

البته نمیدونم (غیبتش نباشد) فروش تیشرت های هیئت ارتباطی با طرح آگهی فروش ماشینش برای تهیه ماشین جدید داره یا نه!

مداحان ما: مُسَبِّکین (صاحب سبکان) هیئت هستند که با هماهنگی شدید خودشون، خودمون رو به خودشون وصل میکنن؛ به جان خودتون...
کربلایی محسن شالباغ و کربلایی امیرحسین انصاریفر...

الهی محمود شن...



merajenoor.ir



@merajenoor_bot



QR merajenoor.ir

زندگی باید کرد

و رفاقت‌ها ساخت

تا گذشت هست چرا

فرصت بوییدن گل را

به تنفرها و آل

زندگی باید کرد

لذت‌ست نم‌نم باران

زندگی زیبا است

باز کن آن قفس کنج سرا

تا پرواز کند مرغک عشق

باورش کن که او

زندگی می‌خواهد

من خدا را دیدم

در گوشم می‌گفت

زندگی باید کرد

زندگی زیباست...

مهدی قنواقی

راه ناتمام، همچنان ادامه دارد...

